



صنعت داروسازی در عصر صفوی

احمد اشرفی^{۱*}

۱- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجفآباد- دانشجوی دکترا.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۹

چکیده:

مقدمه: باتوجه به سابقه چند هزار ساله طب سنتی ایران و شاخه‌های متعدد آن، از جمله داروسازی، و اختصاص کتب و رسالات فراوان برجای مانده از قدما در این حوزه، این پژوهش در پی یافتن جایگاه صنعت داروسازی در عصر صفوی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: اطلاعات و داده‌های این تحقیق مبتنی بر تفحص در کتب و رسالات پزشکی و داروسازی دانشمندان ایرانی در عصر صفویه و اعصار ماقبل آن می‌باشد. این اطلاعات از منابع مذکور گردآوری، تجزیه و تحلیل و سپس برای تبیین این بحث به کار گرفته شده است.

نتایج: براساس بررسی‌های انجام یافته مشخص گردید که گرچه عصر صفویه در صنعت داروسازی و طب سنتی ایران از جایگاه خوبی نسبت به دیگر کشورها برخوردار بوده، هیچ‌گاه پزشکی همانند محمد بن زکریای رازی، ابن سینا، علی بن رین طبری، سید اسماعیل جرجانی و ... و آثار گران سنگی چون الحاوی، القانون فی الطب، ذخیره خوارزمشاهی و ... در این دوره به وجود نیامد.

نتیجه‌گیری: براساس مطالعات انجام شده در حوزه صنعت داروسازی، مشخص گردید که علی‌رغم فراز و نشیب‌های تاریخی، ایرانیان همیشه در داروسازی و شناخت گیاهان دارویی سرآمد اقران خویش بوده‌اند. باتوجه به تنوع اقلیمی و رویش بسیاری از گیاهان دارویی در ایران و یا امکان کشت آنها و همچنین در دست بودن کتب و رسالات قدما در این زمینه می‌توان در جهت احیای این صنعت مادر، اقدامات مفیدی انجام داد. این کار می‌تواند به احیای طب سنتی ایران کمک شایانی نموده و میراث چندین هزار ساله ما را از فراموشی و نابود شدن مطلق نجات دهد.

واژه‌های کلیدی: صنعت داروسازی، داروسازی، عصر صفوی، طب سنتی.

Brief report

.Knowledge & Health 2013;8(3):138-143
DOI: 10.1234%2Fknh.v8i3.35

The Art of Pharmaceutics in the Safavid Period

Ahmad Ashrafi^{1*}

1- Ph.D. Student, Islamic Azad University Najafabad Branch, Najafabad, Iran.

Abstract:

Introduction: With regard to the long history of traditional medicine in Iran and its various branches such as Pharmaceutics and many books and treatises existant from ancient times, this research seeks to find the real position of pharmaceutics art in Safavid period.

Methods: The data and methods of this research are based on the study of Iranian scholar's books and epistles on the Pharmaceutics and medicine in the Safavid period and preceding ages. These data were gathered from the mentioned references and analyzed then used for explanation of this issue.

Results: The findings of the study show that although pharmaceutics art and Iranian traditional medicine in Safavid period had a good position in comparison to other near eastern countries, this period never saw physicians such as Mohammad ibn Zakarya Razi, Ibn Sina, Ali ibn Rabban Tabari and Sayyed Ismaeil Jorjani and never saw outstanding books such as Al-Havi, Al-Qanun fi al-Tib, Zakhirah Kharazmshahi and so on.

Conclusion: Based on the results of the study, it can be said in spite of historical and political problems, Iranians in every age were superior to their foreign contemporaries in pharmacy and the recognition of medical plants. Noting the climatic variety of Iran and the growth of many of medical plants in every region of Iran and especially the availability of the ancient books and treatises on this field, it useful activities for reviving this industry can be performed. This action can lead to efficient helps to reestablishment of Iranian traditional medicine and rescue this time-honored heritage from ignorance and extinction.

Keywords: Pharmaceutics art, Pharmacy, Safavid period, Traditional medicine.

Conflict of Interest: No

Received: 12 August 2012

Accepted: 30 June 2013

*Corresponding author: A. Ashrafi, Email: a_ashrafi12@yahoo.com

مقدمه

طب سنتی در ایران سابقه‌ای چندین هزارساله دارد و در شاخه‌های متعدد آن، به‌ویژه در صنعت داروسازی آثار ارزشمندی به جهان علم عرضه شده است (۱).

در داروشناسی که آن را علم صیدنه یا صیدله می‌خواندند، پزشکان ایرانی به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافتند (۲) و از سده سوم هجری، پزشکان و داروشناسانی ظهور کردند که آثارشان تا مدت‌ها مرجع و مستند پزشکان بعدی قرار گرفت. کتاب فردوس الحکمه ابن ربن طبری، نخستین کتاب جامع پزشکی و حاوی مطالبی درباره داروشناسی است (۳). وی، روش‌های پزشکی یونانی و رومی را در کتابش خلاصه کرد و فصلی جداگانه را نیز به پزشکی هندی اختصاص داد. نظریات وی در آسیب‌شناسی، طب بالینی و داروشناسی نیز اهمیتی فراوان دارد (۳).

کتاب هدایت المتعلمین اثر ابوبکر اخوینی بخاری، در پزشکی، به‌ویژه در داروشناسی درخور توجه بسیار است. اخوینی در این کتاب با دیدگاهی انتقادی به نظریات داروشناسانه پزشکان پیشین نگریسته و بیشتر، داروهایی را وصف کرده که خود آزموده است (۴). محمدبن زکریای رازی هم در مجلدات ۲۰ و ۲۱ کتاب الحاوی درباره داروهای مفرده که به‌ترتیب حروف الفبا نوشته شده، مطالب مبسوطی آورده و پس از بیان نظرات دانشمندان یونان و قدما، مشاهدات و تجربیات خود را به‌صراحت درباره آن و خواص درمانی و چگونگی ساخت آن دارو و ترکیبات و میزان مصرفش بیان داشته است (۴). رازی داروهای گیاهی را همان‌طور که در طبیعت می‌رویند بر داروهای شیمیایی ترجیح می‌داد و کتاب‌هایی درباره دستور غذایی مریض و پرهیز غذایی تألیف کرده است. او هر داروی جدیدی را که تجویز می‌کرد، قبلاً خودش آزمایش کرده بود. مواد شیمیایی را روی حیوانات آزمایش می‌کرد و تأثیرات آن‌ها را روی اعضا مورد مطالعه قرار می‌داد (۵). رازی با آگاهی کامل، علم شیمی را در خدمت پزشکی قرار داد؛ کاری که بعدها پاراسلزوس مجدداً به آن پرداخت. رازی فهمید که می‌تواند با تغییرات در مواد طبیعی، داروهای جدیدی تهیه کند که در طبیعت وجود ندارند. به‌این‌ترتیب ارزش شیمی طبیعی را به پایه داروهای طبیعی رسانده و در پزشکی آنها را به‌کار می‌برد (۵). کتاب قانون ابن سینا شامل ۵ بخش یا کتاب است که بخش دوم آن به داروهای مفرده و بخش پنجم آن به داروهای ترکیبی اختصاص دارد. این کتاب تا قرن هفدهم میلادی در سراسر اروپا مهم‌ترین و اصلی‌ترین کتاب پزشکی بود که در دانشگاه‌ها نیز تدریس می‌شد و به قول ویلیام اوسلر طولانی‌تر از هر کتاب دیگر مرجع پزشکی جهان بوده است و تاکنون ده‌ها بار در اروپا تجدید چاپ شده و به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی و عبری ترجمه و چاپ شده است (۶).

سید اسماعیل جرجانی نیز از جمله ستارگان آسمان علم پزشکی در ایران است که کتب خود را به زبان فارسی تألیف کرده و بدین طریق کمک بزرگی به حفظ اسامی و شناخت گیاهان و داروها به زبان مادری خود نموده است. وی در گفتار نخستین از جلد دوم کتاب، ذخیره خوارزمشاهی را به شناخت تندرستی و بیماری‌های مطلق و انواع داروهای آن اختصاص داده (۷) و در گفتار سوم همین کتاب، به شناخت نیک و بد غذاها و میوه‌ها پرداخته است (۷). سید اسماعیل بخش سوم از کتاب العراض را نیز به داروشناسی اختصاص داده است. وی داروها را به ۳ منشأ غذایی حیوانی، نباتی و معدنی تقسیم کرده و براساس حروف الفبا به داروهای ساده و ترکیبی تقسیم نموده است که در این بخش ضمن آوردن نظرات قدما در مورد داروسازی، در بسیاری از موارد نظرات خود را به‌صراحت بیان نموده است (۱). وی نوآوری بسیاری درباره زیان‌زدایی و ناسازی دارو و درمان نابه‌جا از خود برجای گذاشته و روش درمان صحیح را با تجویز داروی مناسب ارائه کرده است (۷). وی برای درمان زودهنگام سرطان، دارویی کشف کرده بود و با دارو، دیرشدن عادت ماهانه را درمان می‌کرد (۷). او بسیاری از داروهایی را که در ذخیره و الاعراض نام برده، داروهای آزموده نامیده است (۱ و ۷). چند نفری که آثارشان به اجمال بررسی شد، شاخص‌ترین دانشمندان عصر خویش بوده‌اند و گرنه،خلیل عظیمی از پزشکان و مبتکران عرصه سلامت در ایران بوده که معرفی و تفحص پیرامون او به کاری گروهی و تخصصی نیازمند است.

اگرچه حمله مغول ضربه هولناکی به فرهنگ و مدنیت ایران در همه حوزه‌ها وارد کرد، روی کارآمدن سلسله صفویه و طولانی‌بودن عمر آن توانست تا حد زیادی به حفظ بقایای میراث کهن علمی و فرهنگی ما کمک شایانی نماید. در این دوره پزشکانی در حد ابن سینا، رازی و جرجانی ظهور نکردند و آثاری همچون ذخیره و قانون و الحاوی به‌وجود نیامد، ولی مطالعه صنعت داروسازی در این عصر نشان می‌دهد که ایرانیان در این حوزه از بسیاری از ملل سرآمد بوده و این امر به‌خوبی در سفرنامه‌ها و آثار مؤلفان و سیاحان اروپایی که در این عصر از ایران دیدن کرده‌اند، نمودار است. این نوشتار در پی شناخت و معرفی داروسازی در عصر صفوی با تکیه بر منابع آن عصر می‌باشد.

مواد و روش‌ها

در مقدمه، پس از معرفی چند تن از برجسته‌ترین پزشکان ایرانی و آثار آنان در داروسازی، مشخص شد که این علم در ایران سابقه کهنی دارد و بدون بیان چنین پیشینه‌ی درخشانی نمی‌توان به صنعت داروسازی در عصر صفوی پرداخت. لذا بخشی از مواد و منابع مورد نیاز در چنین پژوهش‌هایی، کتب و رسالات قدما در حوزه علوم پزشکی همانند الحاوی، ذخیره خوارزمشاهی، قانون و ... می‌باشد که به آنها اشاره گردید.

داروخانه‌های متعدد در هر دیار، خود داروی لازم را در اختیار بیمارشان می‌گذارند (۱۱).

در بیمارستان‌ها، داروخانه از نظر اهمیت، هم‌پایه بخش‌های درمانی قرار داشت. البته طبیب، والامقام‌ترین فرد کادر فنی هر بیمارستانی محسوب می‌شد و از نظر تئوری، مسئول تمام بخش‌ها بود. سر داروساز بیمارستان که وی را «مهرتر» می‌نامیدند، پس از او قرار می‌گرفت و این شخص درست مثل پزشک ارشد بیمارستان‌های امروز و آن روز، دارای تیمی مرکب از عده‌ای داروساز جوان بود که تحت نظر او کار می‌کردند و ایشان را «شرابدار» می‌نامیدند. در داروخانه‌ها، داروها در انواع قراچه‌ها، کوزه‌ها، شیشه‌ها و ظروف چینی و لعابی نگهداری می‌شد که هر یک در نوع خود نمونه‌ای از یک کار هنری محسوب می‌گشت (۱۱).

برای بیمارانی که خارج از بیمارستان به پزشک مراجعه می‌کردند، داروخانه‌های مستقلی وجود داشت، اما عده زیادی از پزشکان، خود داروی لازم را می‌ساختند و به بیماران خویش می‌دادند. نسخه‌پیچیدن در داروخانه، رسمی است که سال‌ها پس از صفویه رواج پیدا کرد و در آن دوره چنین کاری رسم نبوده است. از روی نوشته‌های مربوطه به آن دوره چنین برمی‌آید که گاهی اوقات یک پزشک و تیم داروساز باهم نوعی تیم پزشکی تشکیل می‌دادند؛ زیرا می‌بینیم که فریر در یادداشت‌های خود می‌نویسد: «با وجود آنکه پزشکان چنان آموزش می‌بینند که به‌تنهایی کار کنند، مع‌هذا اطباء جوان، عطاری را در خدمت خویش می‌گیرند تا نسخه‌های ایشان را بپیچد و سپس نیمی از سود حاصله را به ایشان بدهد» (۱۱).

نسخه‌پیچی همراه با دقت فراوان نبود و اخذ تصمیم در بسیاری از موارد به‌عهده خود بیمار بود، چنان‌که امروز نیز رایج است. در دوره صفویه عطاری‌هایی وجود داشت که اگر کسی نمی‌توانست به علل اقتصادی و یا شئون خانوادگی به پزشکان خصوصی مراجعه کند، می‌توانست مستقیماً به آنها مراجعه نماید و داروهای مورد نیازش را بخرد و برای درمان استفاده کند. مأموران بهداشت عمومی تمام عطاری‌ها را بازرسی می‌کردند تا مغازه و ظروفی که داروها در آنها نگهداری می‌شد، تمیز باشند. ولی علی‌رغم نظارت شحنه، باز هم در پاره‌ای از موارد تقلب در داروها صورت می‌گرفت. ابن‌الخواه چندین صفحه از کتابش به نام معالم القرب را فقط به توضیح این مطلب اختصاص داده است که در چه داروهایی بیشتر تقلب می‌شود و نحوه کشف آنها چگونه است (۱۱).

در دوره صفویه چند مرکز عرصه خدمات درمانی مجانی وجود داشت؛ درست نظیر آنچه امروز وجود دارد، که معروف‌ترین آنها در تهران بود و شربت‌خانه خیریه پادشاهی نامیده می‌شد. این مرکز زیر نظر طبیبی به نام "میرزا یارعلی" قرار داشت که یکی از پزشکان مخصوص شاه طهماسب بود. دامنه این شربت‌خانه خیریه شاهی

بخش دیگری از مواد و منابع این تحقیق مبتنی بر نوشته‌های سفرنامه‌های اروپایی همانند شاردن (۸)، تاورنیه (۹)، اولتارئوس (۱۰) و ... می‌باشد. اروپائیان در عصر صفوی، به‌ویژه در دوره شاه عباس اول به بعد، با توجه به امنیت کشور و رویکرد مثبت دولت‌مردان ایرانی نسبت به اروپائیان، با اغراض مختلفی وارد کشور ما شدند و آثاری از خویش تحت عنوان سفرنامه، سیاحت‌نامه و ... برجای گذاشتند. این کتب در زمینه علوم پزشکی و شاخه‌های متعدد آن بسیار درخور توجه است و متأسفانه از آنها سخت غفلت شده است. بخش دیگری از منابع مورد استفاده در این نوشتار، حاصل مطالعات و تحقیقات جدید اندیشمندان داخلی و خارجی در حوزه علم طب می‌باشد. نگارنده پس از مطالعه آثار قدما، سفرنامه و تحقیقات جدید، آنها را فیش‌برداری، تجزیه و تحلیل و سپس در این پژوهش به‌کار گرفته است، لذا این مقاله جنبه تجربی ندارد و مبتنی بر تحقیقات میدانی نیست و در حوزه مقالات مروری و توصیفی قرار دارد.

نتایج

در ایران عصر صفوی پزشکان را حکیم می‌نامیدند. خواستگاه فن طبابت مشرق زمین بوده است و نام‌آورترین پزشکان از این اقلیم برخاسته‌اند. در این دوره پزشکی و ستاره‌شناسی باهم آمیخته شده و مکمل یکدیگر شمرده می‌شدند. ایرانیان بیش از حد تصور، به ستاره‌شناسی اعتقاد داشتند (۸) این امر موجب ترویج خرافات و آلوده‌شدن علم طبابت با خرافات گردید. اما خوشبختانه در میان شاخه‌های علوم پزشکی، داروسازی تا حدود زیادی مبنای علمی خود را بر همان روش قدما حفظ کرد.

علم داروسازی در جهان اسلام به‌مراتب بیش از طب عمومی، چشم پزشکی یا جراحی عمر کرد. به‌طوری‌که نوشته‌های ابن‌سرایون و یوحنا بن ماسویه تا اوایل قرن ششم مورد استفاده همه داروسازان بود و یا مرهم‌هایی که ایرانیان در اعمال جراحی به‌کار می‌بردند، تا قبل از ساخته‌شدن پلشت برهای لیستر تنها موادی بودند که در جراحی‌ها از آنها استفاده می‌شد و اسامی بسیاری از اوزان و مقیاسات امروزی همان‌هایی است که مسلمانان اولیه به‌کار می‌بردند (۱۱).

اگر یکی از کسانی که در دوره صفویه زندگی می‌کرد، امروز زنده می‌شد و به دنیای طب ما نگاه می‌کرد، بی‌شک تغییرات اندکی از نظر شیوه دارودرمانی ما و دوره خود مشاهده می‌کرد. چون ایرانیان چنان بنیادی برای این علم ریختند که تا قرن‌ها پس از برهم‌خوردن یکپارچگی دنیای اسلام، به حیات خود ادامه داد. تا جایی که روش‌های فعلی ما در توزیع دارو و سیستم قراردادن در دسترس بیماران همان روشی است که ایرانیان از قرن‌ها پیش ابداع کرده‌اند؛ برای مثال هنوز هم داروخانه یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر بیمارستان است و برخی از پزشکان که تعدادشان روزبه‌روز کمتر می‌شود، هنوز به‌رغم وجود

ارزانی است که در هند به سال ۱۱۲۶ ه.ق نوشته شده و نسبتاً حجیم و دارای ۲۳ باب می‌باشد (۱۱).

از دیگر کتب مهم داروسازی در اواخر این دوره، منافع افضلیه یا قربادین قاطع نوشته علی افضلی قاطع، می‌باشد. باب سوم این کتاب در مورد داروهاست. در این باب شرح داروها چنان از دیدگاه‌های مختلف صورت گرفته که کلیه باب‌های بعدی نیز به این موضوع اختصاص دارد (۱۱). مظفر بن محمد الحسینی معروف به حکیم شفایی نیز کتاب شفایی یا قربادین شفایی را در داروسازی نوشته است (۱۱). الفاظ الادویه نورالدین محمد عبدالله بن حکیم عین الملک شیرازی، از دیگر کتب داروسازی در عصر صفوی است (۱۱).

شرح و توصیف محتوای همه کتب داروسازی این عصر کلام را طولانی می‌کند که می‌توان در این زمینه به تاریخ پزشکی مراجعه کرد. از دیدگاه داروسازان قدیمی، غذا و دوا دو روی یک سکه واحد محسوب می‌گشتند و به این دلیل پزشکان پیوسته می‌کوشیدند تا سلامت از دست‌رفته بیماران را با کمک دارو برگردانند و آن را از طریق تجویز مواد خوراکی مغذی حفظ نمایند. این داروسازان همیشه غذاهای خوب را در مقابل سم‌های کشنده قرار می‌دادند. باتوجه به این عقیده، اغلب نویسندگان کتب داروسازی در این دوره به شرح و توصیه موادی پرداخته‌اند که از نظر طبقه‌بندی جزء مواد غذایی هستند تا داروها، برای مثال به مطالب مفصلی راجع به چای، قهوه، مشروبات الکلی و ... برمی‌خوریم (۱۱).

ورود چای، قهوه و تنباکو، زندگی مردم عصر صفوی را بسیار متحول کرد. پزشکان این عصر تحقیقات وسیعی درباره مضرات و فواید آن انجام دادند و کتب و رسالاتی چند در این زمینه نگاشتند. این مواد توانست تاحدی جای تریاک و مشروبات الکلی را در محافل و مجالس بگیرد. تریاک نزد مردم و قدما ماده ناشناخته‌ای نبود، ولی فقط جنبه دارویی داشت. در عصر صفوی مصرف به شکل اعتیاد درآمد و عمومیت یافت و کتب و رسالاتی نیز راجع به آن نوشته شد. مهم‌ترین رساله‌ای که در این باره نوشته شده، افونیه عمادالدین یکی از حاذق‌ترین پزشکان این عصر، می‌باشد. از این ماده به‌عنوان پادزهر استفاده می‌شد.

یکی دیگر از پادزهرها در این دوره، پادزهر مهره نام داشت و آن، ماده‌ای است که در دستگاه گوارشی بز، مخصوصاً کل‌های ناحیه خراسان تولید می‌شود. این دارو توانست تا همین اواخر شهرت خود را حفظ کند. عمادالدین نیز کتابی به نام رساله پادزهر دارد (۱۱). یکی از وقایع مهم عصر صفوی، بروز بیماری نوظهوری در مرزهای کشور به نام سفلیس بود که هم‌زمان با آن، داروی جدیدی نیز پیدا شد و شور و هیجان غربی در محافل پزشکی کشور به وجود آورد و آن بیخ چینی بود که از ساقه زیرزمینی عشبه (که از گیاهان آسیای شرقی است)، به‌دست می‌آمد. عمادالدین در این باره نیز کتابی به نام رساله چوپ چینی

به‌تدریج چنان گسترش پیدا کرد که خیری مجبور شد از دو پسر خود که آنها هم پزشک بودند، تقاضای همکاری نماید (۱۱). یکی دیگر از این مراکز، دارالشفای رضوی در جوار مرقد امام هشتم (ع) می‌باشد. شاه طهماسب، حکیم عمادالدین محمود، یکی از حاذق‌ترین پزشکان عصر خویش را مأمور خدمت در آنجا نمود (۱۲). علاوه بر شاهان صفوی، امرا و رجال متنفذ و خیرین نیز املاک و موقوفات زیادی برای حرم رضوی و دارالشفای اختصاص می‌دادند. از جمله این افراد عتیق علی اردوبادی و مهدی‌قلی‌بیک میرآخورباشی شاه عباس اول بوده‌اند. بیماران دارالشفای به دو گروه تقسیم می‌شد. بیماران متفرقه، که طبیب آنان را سرپایی معاینه می‌کرد و دارو تجویز می‌نمود و بیماران دارالشفای که بیماران بستری شده را شامل می‌شد. اینان علاوه بر گرفتن دارو، از سایر امکانات هم بهره‌مند بودند. در اسناد آستان قدس رضوی نام داروهای گیاهی به همراه قیمت آنها (که روزانه به بیمار داده می‌شد)، ذکر گردیده (۱۳) و این بیمارستان از بخش‌های مختلفی تشکیل می‌شده است (۱۳). در ابتدا دارالشفای تحت نظر شربتخانه به امور بیماران می‌پرداخت، اما در اواخر دوره صفویه از شربتخانه جدا شد و سازمان یافته‌تر عمل کرد، به‌طوری‌که با پایان حکومت صفوی هویتی مستقل یافت (۱۳).

بیشتر کتبی که در این دوره درباره داروسازی نوشته شده، قربادین یا قربادین نامیده می‌شد. این لغت ریشه‌ای یونانی دارد. در زبان یونانی به معنی «صورت» و «ثبت» است و در زبان فارسی به کتبی اطلاق می‌گردد که نام داروها در آن به‌ترتیب ذکر شده باشند.

داروها از دید سادگی و آمیختگی، به داروهای مفرد و مرکب تقسیم می‌شد. پزشکان، داروهای مرکب را برای ایجاد تعادل میان خواص و مزاج طبیعت داروهای مفرد و تأثیر متناسب با بیماری می‌ساختند و تجویز می‌کردند و از آنجاکه داروها نباتی، معدنی و یا حیوانی بودند، داروشناسی پیوند بسیار نزدیکی با گیاه‌شناسی، جانورشناسی و کیمیا داشت (۱۱).

مهم‌ترین کتاب مرجع در دوره صفوی در زمینه داروشناسی، ذخیره خوارزمشاهی بود. نویسندگان این دوره نیز کتبی چند در داروسازی و سایر حوزه‌های پزشکی به نگارش درآورده‌اند؛ از جمله تحفه‌المؤمنین اثر میرزا محمد تنکابنی و پدرش که از پزشکان دربار صفوی بوده‌اند. در این کتاب، جز در مواردی معدود که مطالب قدری گنگ نوشته شده، ادویه و داروها با نظم و ترتیب شرح داده شده‌اند و اگر دارویی چند اسم داشت، یکایک آنها بازگو شده و سردی و گرمی و اثر هرکدام شرح داده شده است. در بخش اول کتاب، انواع مواد غذایی و دارویی، سموم، پادزهرها و اوزان و مقادیر مورد استفاده را شرح داده و در قسمت دوم طرز تهیه داروهایی را که قبلاً نام برده، توضیح می‌دهد. این بخش دارای فصلی اضافی در درمان دارو و درمان عملی است (۱۱). یکی دیگر از کتب مهم داروسازی در اواخر صفویه قربادین قادری تألیف اکبر

افیون، تنباکو و مشروبات الکلی، تحقیقات جدیدی درباره این مواد صورت گرفت. درباره انواع پادزهرها مطالب باارزش در کتب داروشناسی آورده شده و علم داروسازی، کمتر از خود طب به خرافات آلوده گردیده است. در این دوره به علت حضور صدها و بلکه هزاران نفر از اندیشمندان و فرهیختگان ایران در هند و تعاملات گسترده فرهنگی بین دو کشور، فصل جدیدی از تأثیر متقابل علمی در همه زمینه‌ها، از جمله داروسازی صورت گرفت.

به‌طور کلی طب سنتی ایران و نوشتن کتب داروسازی به سبک قدما، تا عصر قاجار نیز ادامه یافت که مجال بحث پیرامون آن وجود ندارد، اما به دلیل خودباختگی ما در مقابل فرهنگ غرب، این میراث گرانبگر که ثمره قرن‌ها تجربه اندیشمندان بزرگ ایرانی است، تقریباً به فراموشی سپرده شد. امروزه به دلیل عوارض ناشی از مصرف داروهای شیمیایی، دانشمندان علم طب دوباره در صدد رجوع به داروهای گیاهی برآمده‌اند. در ایران خوشبختانه رشته طب سنتی در دانشگاه تهران افتتاح شده و در حوزه داروهای گیاهی نیز رشته‌ای دایر گردیده است. احیای طب سنتی و داروسازی علاوه بر جنبه علمی، از لحاظ فرهنگی و ارزشی نیز بسیار درخور توجه است و بخش بزرگی از معارف ما را در این زمینه از فراموشی نجات خواهد بخشید.

References

- Jorjani E. al-Araz al-Tebbia va al-Mabaheth al-Alaeia. Translated to Persian by: Tajbakhsh H. Tehran: Tehran University press; 2005.[Persian].
- Velayati A. Pooyaeie farhang va tamadon eslam va Iran. 4nd ed. Tehran: Center of Documents and research Services Press;2005.[Persian].
- Tabari Ali B. Rabban. Ferdos al-Hekmat. Translated to Persian by: Sedighi M. Berlin;1938.[Persian].
- Razi Mohammad B. Zakarya, al-Havi Vol. 20. Translated to Persian by: Afshari Poor S. Tehran: Farhangestane Oloome Pezeshkie I.R.I Press;2005.[Persian].
- Hunke Zikerid. Islamic Culture in Europe. Translated to Persian by: Rohbani M. Tehran: Daftare Farhange Eslami Press;1982.[Persian].
- Nasiri J. Theories and innovations of ibn Sina and Razi in new medicine. Tehran: Noore Danesh Press;2009.[Persian].
- Jorjani E. Zakhire Kharazmshahi Vol. 3. Edited by: Moharreri MR. Tahan:Farhangestane Oloome Pezeshkie I.R.I Press; 2001. [Persian].
- Jean Ch. The Travels of Sir John Chardin in Persia and the Orient. Translated to Persian by: Yaghmaei E. Tehran;1995.[Persian].
- Tavernier Jean-Baptiste. Tavernier's travels. Translated to Persian by: Arbab Shirani H. Tehran:Nilooofar Press;2004.[Persian].
- Olearius Adam. The Travels of olearius in seventeenth-century Persia vol 2. Translated to Persian by: Kordbacheh H. Tehran:Hirmand Press;2000.[Persian].
- Cyrl E. Mediciane in the safavid period. Translated to Persian by: Javidan M. Tehran: Tehran University Press;1978.[Persian].

نوشته است که بعداً مبنای اسناد و نوشته‌های دیگر اطبا قرار گرفت (۱۱). یکی دیگر از مواد جالب دارویی در این دوره که اکثر نویسندگان کتب داروسازی درباره آن مطلب نوشته‌اند، مومیایی می‌باشد که خواص عجیب و غریبی برای آن ذکر کرده‌اند. در مورد جیوه و کاربرد آن در درمان امراض نیز به‌طور مبسوط مطالبی آورده شده است.

به‌هرحال درباره هر کدام از مواد فوق‌الذکر کتب و رسالات متعددی نوشته شده که معرفی و توصیف آن ملال‌آور است. پزشکان ایرانی برای درمان بیمار، جلسه مشورتی تشکیل می‌دادند و فصد کردن و تنقیه را به‌ندرت تجویز می‌کردند (۸).

داروهایی که پزشکان ایرانی تجویز می‌کردند آماده نبود و باید درست می‌کردند. بیمار اگر حق معاینه را به طبیب نمی‌داد، طبیب از وی چیزی درخواست نمی‌کرد؛ زیرا قبلاً حق معاینه‌اش را روی قیمت داروها کشیده بود. برخی از پزشکان مجموعه‌ای از گیاهان طبی خشک‌شده داشتند که آنها را به گاه تعلیم، به شاگردانشان نشان می‌دادند (۸). در این دوره علی‌رغم وجود چشمه‌های آب معدنی متعدد، در درمان امراض کمتر از آنها استفاده می‌شد و پزشکان ایرانی از داروهای شیمیایی استفاده نمی‌کردند (۸).

علاوه بر یونان، ایران و هند نیز از جهان باستان، در زمینه داروسازی مبادلات علمی و فرهنگی داشتند (۱۴). ابن سینا در میان ۷۹۲ داروی ساده در قانون از ۴۹ دارو با منشأ هندی نام برده است (۱۵). نفوذ محصولات گیاهی در دارویی هند در میان مسلمانان چنان گسترده بود که اکنون نیز بسیاری از واژگان عطرها و ادویه‌های در عربی ریشه هندی دارد (۱۶). در دوره صفویه، با توجه به عمق روابط فرهنگی و علمی ایران و هند یک نوع تجدید حیات در این زمینه صورت گرفت.

به‌طور کلی شغل طبابت در ایران از موقعیت اجتماعی والایی برخوردار بود (۸). شغل حکیم‌باشی و تیم تحت امرش، در دربار صفوی مقام مهمی داشتند و حقوق مکفی دریافت می‌کردند (۱۷). پزشکی این دوره گرچه با خرافات آلوده بود و نوآوری زیادی نسبت به اعصار قبل در آن صورت نگرفت، صنعت داروسازی به‌لحاظ تجربی بودن و شالوده استواری که پیشینیان، این علم را بر آن استوار کرده بودند، کمتر دچار این آفت گردید و بر همان پایه مستحکم قدما استوار بود. مطالعه و تحقیق پیرامون این صنعت به کاری گروهی نیازمند است و می‌تواند به بازشناسی و احیای آن کمک شایانی نماید.

بحث

طبق بررسی‌ها مشخص شد که هرچند صنعت داروسازی در عصر صفوی نوآوری چندانی نداشت و نسبت به آثار دانشمندی که در مقدمه به برخی از آنها اشاره شد، درخشندگی لازم را نداشت، در همین دوره نیز از بسیاری از ملل پیشروتر و زنده‌تر به راه خود ادامه داد. به‌علت شرایط مساعد اقتصادی در این دوره و روی آوردن برخی از مردم به

12. Eskandar Beyk T. Tarikh alam araye abbasi. Edited by: Afshar E. Tehran: Amir Kabir Press; 2003. [Persian].
13. Shahidi H. Dar al-shafaye astan ghodse razavi dar doreye safavi. Mashhad: Astan Ghods Razavi Press; 1998. [Persian].
14. Cyril E. Medical history of persia and the eastern caliphate from the earliest times until 1932. Translated to Persian by: Maher Forghanikjj. Tehran: Amire Kabir Press; 1992. [Persian].
15. Verm a RL. Indian-Arab relations in medical sciences. In: ip.v gham, editors. History of medicine in India. New Delhi: Indian National Science Academy; 1992.
16. E Nabipoor. Maktabe Pezeshki. Booshehr: Medical Sciences and Health Services University of Booshehr Press; 2005. [Persian].
17. Kaempfer Engelbert. Am hofe des persischen Großkönigs. Translated to Persian by: Jahandari K. Tehran: Kharazmi Press; 1981. [Persian].